

دکتر نعیم الیافی

ترجمه‌ی دکتر حسین ابویسانی
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

شعر معاصر عرب

(سوریه و لبنان)

عنوان فرادادی :	معجم الباطنی للشعر، العرب المعاصرين . فارسی . برگزیده
عنوان و نام پندآور :	شعر معاصر عرب (سوریه و لبنان) / نعیم الیافی؛ ترجمه حسین ابویسانی.
همه‌مختصات نشر :	تهران: مهتاب فرزانگان، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری :	۱ع. (بدون شماره گذاری).
شابک :	978-600-6188-04-1: ۵۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی :	فبا
یادداشت :	کتاب حاضر ترجمه بخشی از جلد ششم کتاب "معجم الباطنی للشعر، العرب المعاصرين"
	یا عنوان "الشعر العربی المعاصر فی سوریا و لبنان" است.
موضوع :	شاعران عرب -- سوریه -- قرن ۲۰م.
موضوع :	شاعران عرب -- لبنان -- قرن ۲۰م.
موضوع :	شعر عربی -- سوریه -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
موضوع :	شعر عربی -- لبنان -- قرن ۲۰م. -- تاریخ و نقد
شناسه افزوده :	الیافی، نعیم
شابک افزوده :	Yafi, Na'im
سببیه افزوده :	ابویسانی، حسین. ۱۳۴۰. مترجم
رده بندی کنگره :	۱۳۹۱ ۲۱/۵/۴۸۵۰۳۱ PJA
رده بندی دیویی :	۸۹۲.۷۲
شماره کتابشناسی ملی :	۲۷۱۷۰۲



ناشر: انتشارات مهتاب فرزانگان

عنوان: شعر معاصر عرب (لبنان و سوریه)

مؤلف: دکتر نعیم الیافی

مترجم: دکتر مسین ابویسانی

سال انتشار: ۱۳۹۱

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپخانه و لیتوگرافی: نقش و نشان

قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-6188-04-1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۸۸-۰۴-۱

فهرست مطالب

۱		اشاره‌ی مترجم
۳		پیشگفتار مترجم
۱۷		طرح کلی
۲۳		پیشگامان
۵۳		مؤسسان
۹۵		نوگرایان
۱۴۳		تجربه‌های معاصر در زمینه‌ی شعر
۱۶۳		فهرست اعلام

اشاره‌ی مترجم

کتاب حاضر ترجمه‌ی بخشی از جلد ششم معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين با عنوان الشعر العربي المعاصر فسي سوريا و لبنان است. این بخش نوشته‌ی دکتر نعيم اليافي و عنوان اصلی آن نیز حركة الشعر العربي الحديث فسي سورية و لبنان ۱۹۱۸-۱۹۹۰ است.

نویسنده‌ی این اثر در سال ۱۹۳۶م در شهر حمص سوریه به دنیا آمد و تحصیلات خود را از همانجا آغاز نمود. وی موفق شد در رشته‌ی ادبیات عرب دانشگاه قاهره ادامه‌ی تحصیل دهد و مدرک دکتری خود را نیز دریافت نماید. نعيم اليافي به عنوان استاد در دانشگاه‌های الجزایر و سوریه به تدریس پرداخت و از اعضای «انجمن نقد ادبی» گردید. آنچه در پی می‌آید از آثار اوست:

- ۱- طبقات علماء إفريقية و تونس لأبي العرب محمد بن أحمد بن تميم القيرواني
- ۲- الشعر بين النون الجميلة
- ۳- الشعر العربي الحديث
- ۴- التطور الفني لشكل القصة القصيرة
- ۵- المقدمة لدراسة الصورة الفنية
- ۶- تطور الصورة الفنية في الشعر العربي
- ۷- وضع المرأة
- ۸- مجازر الأمن
- ۹- المغامرة النقدية
- ۱۰- الحب من النظرة الثالثة
- ۱۱- أوهاج الحداثة.

در اینجا ذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

۱- کمبود منابع معتبر فارسی پیرامون شعر معاصر عرب از جمله دلایل اصلی در ترجمه‌ی این اثر به شمار می‌رود.

۲- اعلام متن اعم از تاریخی و اساطیری در کنار پاره‌ای از اصطلاحات ادبی در یانویس مربوط به هر صفحه معرفی شده است.

۳- تمام متون شعری این اثر و برخی کلمات نامأنوس متن حرکت‌گذاری و به فارسی برگردانده شده است.

۴- در پایان کتاب فهرستی از نام اشخاص و مکان‌ها تهیه گردیده است. مترجم در ترجمه‌ی این اثر از همکاری مستقیم و غیرمستقیم اساتید ارجمندی برخوردار بوده است که ذکر نام آنها در این مجال میسر نیست اما لازم است از دوست ارجمند آقای دکتر احمد رضا بهرام‌پور عمران به خاطر مساعدت در ویرایش ادبی متن سپاسگزاری به عمل آید.

کلام پایانی اینکه مترجم به هیچ‌وجه مدعی کمال نبوده و معتقد است این برگردان از برخی کاستی‌ها خالی نیست. ولی با این همه امیدوار است موردتوجه خوانندگان و صاحب‌نظران قرار گیرد و به عنوان گامی در راه آشنایی بیشتر با شعر معاصر عرب قبول افتد و در نظر آید.

پیشگفتار مترجم

در تحلیل و بررسی ادبیات هر ملتی توجه به حوادث بزرگ و مؤثر در زندگی پدیدآورندگان آن اهمیت قابل توجهی دارد. ادبیات به مثابه آینه‌ای است که به بازتاب زندگی، یک ملت و عوامل تأثیرگذار در آن می‌پردازد. بنابراین لازمی پرداختن به ادبیات معاصر عرب به خصوص شعر آن، نیازمند توجه به گذشته و تحلیل حوادث مرتبط با آن است. در این زمینه می‌توان به مهم‌ترین حوادث گذشته مانند حمله‌ی فرانسه به مصر در اواخر قرن هجدهم (۱۷۹۸م) توسط ناپلئون بناپارت اشاره کرد که باعث آشنایی مردم مصر با جنبه‌هایی از زندگی اروپاییان گردید.

ناپلئون گروهی از دانشمندان برجسته و متخصص در زمینه‌های علمی و تجربی را همراه خود به این سرزمین آورد و طولی نگذشت که انجمن علمی مصر را همانند انجمن علمی فرانسه پایه‌گذاری نمود. وی در کنار این انجمن تعدادی کارخانه، کتابخانه و چاپخانه نیز برپا کرد که نتیجه‌ی آن به انتشار برخی روزنامه‌های دوره‌ای و حتی چاپ تعدادی کتاب منجر شد.

باور مصری‌ها بر این بود که پس از خروج فرانسویان از سرزمین‌شان، تاریخ نوینی را به کمک ملت مبارز و آزاده‌ی خود رقم خواهند زد به همین سبب محمدعلی پاشا را به عنوان حاکم خویش برگزیدند. اما وی ایشان را در رسیدن به آمال و آرزوه‌ای‌شان ناکام گذاشت زیرا او نیز همانند ناپلئون انجمن‌هایی برای سلب حقوق

ملت برپا نمود و بدین ترتیب امیدهای مردم مصر را در مشارکت و همکاری با حاکمانشان به یأس مبدل نمود و با تقویت ارتش و آشنایی با فنون نظامی، مهندسی، صحتی و پزشکی، مدارس فراوانی را در این زمینه بنا نهاد.

این عوامل اگرچه محمدعلی پاشا را در تحقق رؤیاهایش برای به وجود آوردن یک امپراطوری بزرگ یاری می داد اما آرزوی وی هرگز محقق نگردید. پس از وی فرزندش عباس پاشا این مدارس را تعطیل نمود هرچند روابط میان مصر و اروپا همچنان برقراربود به عبارت دیگر به دلیل وجود دانشمندانی در مصر و اروپا هیچگاه دروازه های ارتباط فکر و اندیشه بسته نشد.

پس از عباس، برادر وی سعید پاشا مدارس را بازگشایی نمود و مصر در مسیر حرکتی روبه رشد قرار گرفت که نتایج آن را در دوره ی اسماعیل پاشا نواده ی محمدعلی می توان ملاحظه کرد. او برای تحقق خواسته های ملت خود تلاش فراوان نمود و با پشتیبانی اندیشه ی ارتباط میان مصر و اروپا مدارس فراوانی تأسیس کرد. به این ترتیب علم نه در جهت تقویت ارتش که در راه خدمت به علم به کار گرفته شد و در رویداد مهمی کانال سوئز نیز به بهره برداری رسید. این حادثه آثار عملی قابل توجهی از خود به جای گذاشت و فاصله ی جغرافیایی و فرهنگی میان ملل شرق و غرب را کوتاه تر کرد. اما همه ی این تلاش ها مانع از آن نشد که این سرزمین به اشغال انگلستان درنیاید هرچند با قیام آزادی خواهانش به این اشغالگری پایان داده شد.

شعر عرب در نیمه ی نخست قرن نوزدهم همزمان با دوره ی یادشده، تکرار و تقلیدی از گذشته بود. معانی و مفاهیم سخیف، اسلوب های مبتذل و بیانی تکلف آمیز

و خلاف واقع، شعر آن دوره را تشکیل می‌داد به علاوه، قید و بندها و آرایه‌های ادبی و مسایلی مانند حساب حروف ابجدی [ماده‌ی تاریخ] آن را سنگین‌تر و غیرقابل‌هضم‌تر می‌نمود. همچنین شعر به نوشته‌هایی کلیشه‌ای و آکنده از تقلید و تکرار و بی‌بهره از هرگونه عاطفه و احساس مبدل گردیده بود. در مصر محمدعلی پاشا توجهی به شعر ننمود و تلاش خود را در خدمت علم و هنرهای کاربردی قرار داد بنابراین بازار شعر در زمان او و جانشینانش عباس و سعید رونقی به خود نگرفت به همین سبب دیوان‌های شاعرانی چون اسماعیل خشاب، شیخ حسن عطار، شیخ محمد شهاب‌الدین و سعید درویش که با این حاکمان هم‌عصر بودند جز تصویرپردازی‌های معمول، کمترین تأثیر عاطفی و حسی بر خواننده برجای نمی‌گذاشت.

پیش از آنکه نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم فرا رسد شرایط حاکم با تغییراتی همراه گردید و برخی از قواعد و مناسبت‌های آن درهم ریخت. اسماعیل پاشا مجبور شد برای پاسخ‌گویی به برخی از مطالبات مردم از جمله، حقوق سیاسی آنان تعدادی از دیوان‌های شعری قدیم را منتشر نماید. این امر سبب گردید تا شعر دوستان با نمونه‌هایی از آثار دوران جاهلی و عباسی آشنا شوند و از آثار شعری بیمارگونه‌ی سرزمین خود روی برتابند.

در این میان گروه‌هایی از لبنان و سوریه که تحت تأثیر ادبیات اروپایی و آموزه‌های غربی هیئت‌های مسیحیان کاتولیک و پروتستان قرار گرفته بودند برای گریز ازستم عثمانیان و شرایط نامطلوب اقتصادی به مصر مهاجرت کردند. طبیعی می‌نمود

که ذائقه‌ی ادبی توده‌ی مخاطبان دربرخورد باچنین عواملی دچار تغییر شود و جوانان از الگوهای ادبی عثمانی روی برتابند و به شکل فزاینده‌ای از آن فاصله گیرند.

نشانه‌هایی از این تحول در شعر شاعرانی مانند محمود صفوت ساعتی، علی ابونصر، عبدالله فکری، علی لیثی، عبدالله ندیم و عائشة تیموریه ملاحظه می‌شود اما این شاعران نیز توفیق نیافتند خود را به تمامی از زیر سلطه‌ی آرایه‌ها و صنعت‌های ادبی و مخمس‌ها و تضمین‌ها برهانند. تنها کسی که توفیق یافت از این قید و بند رهایی یابد محمود سابی بارودی بود که پیشگام ایده‌آل و آرمانی این جنبش به شمار می‌آمد. بارودی به مفهوم نادرست تقلید، مقلد پیشینیان نبود بلکه آنچه وی آن را دنبال می‌نمود اعاده‌ی فصاحت و مناسبت و خلوص شعر بود. او در شعر خود از آزادی ملت و آمال و آرزوهای سیاسی امسلی سخن به میان آورد و پیشاهنگ شعر معاصر لقب گرفت. شیوه‌ی بارودی مورد توجه شاعران بزرگی از جمله احمد شوقی و حافظ ابراهیم واقع شد و به دنبال آنها تعداد فراوانی از شعرای سوریه، لبنان و شام راه مهاجرت به مصر را در پیش گرفتند.

در اواخر قرن نوزدهم خلیل مطران با همین اسلوب و سبک و سیاق وارد صحنه شد اما در شعر غنایی و طرب‌انگیز خویش روحی از احساس و عاطفه را که تا اندازه‌ای هم با روح رمانتیسم غربی انطباق داشت تزریق کرد. شوقی نیز که متأثر از ادبیات فرانسه و آثار کسانی چون ویکتور هوگو بود همین راه را در پیش گرفت اما حافظ ابراهیم همانند بارودی تمایلی به ادبیات اروپا نشان نداد و از آن تأثیری نپذیرفت. او از ادبیات قدیم تأثیر پذیرفت اما در عین حال از روح حاکم بر

عصر خود نیز غافل نگردید. با وجود این هیچ‌کدام از این سه شاعر بزرگ از پابندی خود به شکل شعر سنتی دست نکشید.

به طور کلی شعر در این دوره مسیر ساده‌گویی را در پیش گرفت و خود را به درک عامه‌ی مردم نزدیک نمود. آنها نیز شعر را سخت و دشوار و غیرقابل‌فهم نیافتند. بنابراین نگاه شعر از توجه به گروهی خاص از حاکمان و فرمانروایان به سوی توده‌ی مردم تغییر جهت داد و شاعر این دوره تلاش نمود تا آمال و آرزوهای مردم را در آثارش منعکس نماید این در حالی بود که شعرای دنباله‌روی بارودی یعنی پیروان مکتب احیا و هواداران خلیل مطران و مکتب رماتیسیم نیز ملت را موضوع اصلی سروده‌های خویش قرار دادند.

با ورود به نیمه‌ی نخست قرن بیستم نسل جدیدی سربرآورد که عمیقاً متأثر از ادبیات انگلستان و دیگر کشورهای غربی بود. این نسل اعتقاد داشت شاعران «نهضت و احیا» شعر را در بیان حالات درونی خود و جهان اطرافشان به کار نمی‌گیرند بلکه اولاً، از آن برای بیان اوضاع و احوال زندگی روزمره بهره می‌برند ثانیاً، در سبک و سیاق و اوزان شعر پابند قواعد شعر کلاسیک هستند. این گروه در مقایسه با نسل پیش از خود، قراءت دیگری از شعر داشت. از یک سو براین باور بود که شعر تصویرگر حالات درونی انسان و مبین لذات و آسایش و از دیگر سو عقیده داشت شعر تعبیری از طبیعت و اسرار نهفته‌ی آن است. از نقطه‌نظر اینان شعر نمی‌توانست نوعی گشاده‌دستی و سخاوتمندی برای بیان قضایای ملی میهنی و یا ثبت حوادث و رویدادهای آن در طول روزگاران تلقی گردد بلکه پیش

از هر چیز تصویرگر احساسات و عواطف انسانی به شمار می‌آمد که نهاد عاطفی او از آن آکنده و سرشار بود.

این گروه همانند نسل پیشین از ادبیات فرانسه بهره نمی‌گرفت بلکه تأثیرپذیری از ادبیات انگلستان و شعر غنایی آن را اساس کار خود قرار داده بود. پیشگامان این جماعت عبدالرحمن شکری، ابراهیم مازنی و عباس محمود عقاد بودند. دو تن از ایشان یعنی عقاد و مازنی در سال ۱۹۲۱م کتابی با عنوان دیوان منتشر کردند که بعدها نام این جمعیت را با خود به همراه داشت.

اما پیش از ورود به دهی سوم قرن بیستم شمارشاعران به شکل قابل ملاحظه‌ای فزونی یافت. آنان موفق شدند در اوایل دهی چهل جمعیت «آپولو» را پایه‌گذاری نمایند. رهبری جمعیت را احمد زکی ابوشادی و پس از وی شوقی و مطران برعهده گرفتند. آپولو - الهی شعر، موسیقی، هنر و زیبایی - که از اساطیر یونان باستان به شمار می‌آید، اندیشه‌ی خود را ارتقای قدر و منزلت شعر و توجه به شاعران و وضعیت معیشتی ایشان اعلام نمود. این جمعیت که بسیاری از شعرای مکتب احیا همانند شوقی، مطران و احمد محرم به آن ملحق شدند موفق گردید شمار فراوانی از شاعران مصر و دیگر کشورهای عربی را نیز در خود جای دهد که از آن جمله می‌توان به ابراهیم ناجی، نازک الملائکه، الیاس ابوشبکه و عمر ابو ریشه اشاره نمود.

جریان‌های ادب عربی به همین جا ختم نشد. لبنان نیز به ایجاد دو الگوی شعری که در ادبیات عربی پیشینه‌ای نداشت روی آورد، نخستین آن دو برگرفته از شاعران «مهاجر» (مهاجر) بود که ریشه در رمانتیسم غربی داشت، دیگری نیز الگوی مشهور به سمبولیسم نزد ادبا و شعرای فرانسه بود. ادبیات مهاجر به مهاجرین عرب

تباری تعلق داشت که در دوره‌ی حکومت عثمانی به دلایل سیاسی، اقتصادی و یا دینی سرزمین‌شان را ترک گفتند و در آمریکای شمالی و جنوبی سکنی گزیدند. گروه آمریکای شمالی در سال ۱۹۲۰م در نیویورک جمعیتی به نام «الرابطة القلمیة» بنیان نهاد که اصول خود را ترمذ علیه آداب و سنن شعر کلاسیک و دعوت به تجدد و نوجویی در شکل و مضمون آن اعلام نمود. رهبر این جمعیت جبران خلیل جبران و برجسته‌ترین اعضای آن نیز نسیم عریضه و میخائیل نعیمه بودند. اما گروه آمریکای جنوبی در سال ۱۹۲۲م در برزیل جمعیتی با نام «العصبة الأندلسیة» تأسیس کرد که شاعر قزوی (رشید سلیم خوری)، شکرالله جر، فوزی، شفیق و ریاض معلوف، الیاس فرحات و سلمی صائغ اعضای اصلی آن به شمار می‌آمدند. ویژگی این جمعیت نیز گرایش به حفظ اصول شعر کلاسیک و اتخاذ موضعی بینابین میان قدیم و جدید اعلام گردید.

مکتب رمانتیسزم با جریان‌های سه‌گانه‌ی خود، «دیوان»، «آپولو» و «مهاجر» در دوره‌ی میان دو جنگ جهانی، خوشایند ذائقه‌ی عموم مخاطبان شعر عرب واقع گردید اما پس از جنگ دوم جهانی و تغییرات حاصل شده بر نقشه‌ی جغرافیایی و اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی حاکم بر جهان و بعد از ناامیدی ملت‌های عرب به سبب صدمات واردشده بر آنها شاعران عرب متوجه رویکرد دیگری شدند. آنان سعی نمودند خواب و خیال را رها کنند، از رؤیاپردازی و جستجوی آمال و آرزوهای رنگین فاصله گیرند و چشم‌های‌شان را به واقعیت‌های دردناک زندگی خویش بگشایند. بنابراین از اوایل دهه‌ی چهارم قرن بیستم و پس از برملاشدن ناکارآمدی رمانتیسزم، عرصه‌ی ادبیات جولانگاه رئالیسم گردید. البته باید توجه

نمود که در کنار رویاپردازی‌ها و تخیلات بیمارگونه‌ی شاعران رمانتیک، دلایل دیگری نیز در روی‌گردانی از رمانتیسم وجود داشت که موارد زیر از آن جمله است: بیداری ملت‌های عرب بعد از جنگ دوم جهانی و تلاش برای آزادی از سیطره‌ی استعمار، اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸م، اشغال غزه، سینا و جولان پس از شکست ۱۹۶۷م، اختلاف و درگیری میان بلوک غرب و بلوک شرق، پیشرفت وسایل ارتباط جمعی و علمی، و بالاخره ظهور شبخ اتم و فاجعه‌ی هیروشیما و ناکازاکی.

به طور کلی اختلاف اساسی میان رنالیسم با مکاتب ادبی پیش از خود در تعریف این مکتب از مسؤولیت ادبیات نهفته است، به این معنا که وظیفه‌ی ادبیات تنها بازتاب عواطف و احساسات شاعر یا نویسنده و پرواز در عالم خیال نیست بلکه بیان واقعیت‌های موجود زندگی و پرداختن به مسایل و مشکلات پیش‌روی انسان‌ها و جامعه‌ی آنان، وظیفه‌ی بالاتری است که باید مورد توجه وی واقع گردد. از پیشگامان نسل اول این مکتب ادبی، بدرشاکر سیاب، صلاح عبدالصبور، خلیل حاوی، نزار قبانی و معین بسیسو و از نسل دوم، امل دنقل، سمیع القاسم، محمود درویش و سلیمان عیسی را می‌توان نام برد.

پس از رمانتیسم و در پی هجوم به آن، مکتب‌های دیگری نیز با به عرصه نهاد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به ناتورالیسم و پارناسیسم یا مکتب هنر برای هنر نام برد. اما در گذر از این مکاتب؛ مکتب ادبی جدیدی نگاه‌ها را معطوف به خویش ساخت و انقلاب علمی و صنعتی حاکم بر جهان در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم و نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ی آن را به چالش کشید. پیشگامان غربی این

مکتب را که سمبولیسم نام داشت کسانی چون گوته‌ی آلمانی، ادگار آلن پوی آمریکایی، بودلر و مالارمه‌ی فرانسوی و ویلیام بلیک انگلیسی تشکیل می‌دادند. این جریان ادبی را که از ویژگی‌های آن، عنایت به موسیقی و غموض و توجه اندک به علم بیان است عبدالرحمن شکری و احمد زکی ابوشادی وارد حوزه‌ی ادبیات عربی نمودند و سعید عقل نیز رهبر آن لقب گرفت. سمبولیسم به عنوان مکتبی متمایز و مشخص در ادب عربی معرفی نگردید بلکه با توجه به آشنایی برخی ادبا و شعرای عرب نسبت به فرهنگ غرب، در لابه‌لای آثار آنان جای گرفت. از شاعران این مکتب می‌توان به صلاح عبدالصبور، محمود درویش، عبدالوهاب بیاتی، نازک الملائکه، فدوی طوقان و بدرشاکر سیاب اشاره نمود.

بعد از مکاتب یادشده، شاهد ظهور فرم نوینی به نام «قصیده‌ی نثر» در شعر عربی هستیم. این پدیده که رابطه‌اش با پیشگامان خود از نوع روابط ایدئولوژیک بود همانند جنبش شعر نو صرفاً انقلاب و شورشی علیه شکل و اسلوب شعر به شمار نمی‌آمد. آنچه ظهور این فرم ادبی را باعث شد هدفی ایدئولوژیک بود، این هدف تحت لوای مدرنیسم از شعر کلاسیک یعنی میراث کهن فرهنگی و بحث پیرامون یافتن ریشه‌های عمیق‌تر برای ادبیات سخن به میان آورد. این هدف را دو جریان در لبنان و مصر دنبال می‌نمود، در لبنان جمعی ملی‌گرای آزادی‌خواه به آن ملحق گردید و در پی آن، مفهوم جریان مدرن به دست گروهی از ادیبان و شاعران عرب نهادینه شد که در میان آنها سعید عقل، یوسف خال، خلیل حاوی، خالد سعید و همسرش، علی احمد سعید ملقب به آدونیس، محمد ماغوط، جبرا ابراهیم جبرا و هنری قیم به چشم می‌خوردند. حامیان این جریان اعلام داشتند: شعر

کنونی لبنان، امروزی و متناسب با نیازهای عصر ما نیست زیرا اگر با پیشرفت و تحول شعر اروپا مقایسه شود عقب مانده است و اگر با شعر کلاسیک و سنتی انطباق یابد دنباله و تقلیدی به شمار می آید.

همین فراخوان، همزمان با لبنان در مصر نیز مطرح گردید که روشنفکران و فرهیختگان این سرزمین به زعامت طه حسین، موسی سلامه و سهیر قلماوی داعیان آن به شمار می آمدند. این حرکت تا جایی پیش رفت که گروهی از ایشان به احیای فرهنگ فرعون و کندوکاو در اسرار و هفته های آن روی آوردند و حتی جمعی پای از این هم فراتر نهادند، اما نازک الملائکه شاعری عراقی و پیشوای شعر نو با اختصاص بخشی از کتاب خود با عنوان قضایا الشعر المعاصر یکی از این قصاید نثر را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و به شدت به آن حمله ور شد. وی نمونه ای از «قصیده ی نثر» محمد ماغوط پیشوای این جنبش را با عنوان «مسافر» انتخاب نمود و به صورت یک نثر عادی به رشته ی تحریر درآورد. در اینجا بود که داعیه ی این گروه برملا شد و مشخص گردید نمونه ای که نویسندگان آن را شعر می پنداشتند قطعه ای نثر بیش نبوده است.

البته، جریان ها و مکتب های ادبی دیگری مانند دادانیسم، سوررئالیسم و انگریستانسیالیسم نیز در صحنه ی ادبی غرب و به دنبال آن در ادبیات عرب پا به عرصه نهاد که برای پرهیز از اطاله ی کلام از اشاره ی به آنها اجتناب می گردد.^۱

۱- در نگارش مطالب این بخش از این منابع بهره گرفته شده است: الأدب العربی الحديث، محمد عبدالمنعم خفاجی - الأدب العربی المعاصر فی مصر، شوقی ضیف - مجانی الشعر العربی الحديث و مدارس، صادق خورشیا - المدارس الأدبیة و مذاهبها، یوسف عید - مکتب های ادبی، رضا سیدحسینی، م.

نعیم الیافی در کتاب حاضر با بررسی محققانه‌ی شعر سوریه و لبنان ضمن عنایت به شروع نهضت ادبی در اواخر قرن نوزدهم، وضعیت شعر معاصر این دو کشور عربی را در قرن بیستم مورد توجه قرار داده است. این اثر از پنج بخش اصلی تشکیل می‌شود که به ترتیب عبارتند از: ۱- طرح کلی ۲- پیشگامان ۳- مؤسسان ۴- نوگرایان ۵- تجربه‌های معاصر در زمینه شعر. برای اطلاع از بخش‌های یادشده به ذکر خلاصه‌ای از آنها می‌پردازیم.

- در بخش نخست پیرامون شعر نو، نهضت شعری جدید، نقطه‌ی آغاز این پدیده‌ی ادبی در سوریه و لبنان، رویکرد نقادانه‌ی مؤلف در این اثر و بالاخره شیوه‌ی به کار گرفته شده برای طبقه‌بندی شاعران سخن به میان آمده است.

- محتوای مطالب بخش دوم را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

/ تعیین تاریخی برای شروع شعر نو در سوریه و لبنان و عوامل تأثیرگذار بر آن.

/ تعیین نقاط اشتراک و اختلاف مکانی و زمانی و نیز اثر آن بر شعر این دو کشور.

/ معرفی پیشاهنگان و چهره‌های مهم شعر در این دو سرزمین.

/ بیان اسباب و علل مختلف در ایجاد نقاط اشتراک میان شاعران.

/ سخن پیرامون تعدادی از شاعران سوریه و لبنان.

/ اشاره‌ای گذرا به برخی بارقه‌های نهضت شعر نوین عرب.

- سومین بخش، با گفتاری درباره‌ی دوره‌ی فعالیت شاعران بنیانگذار حرکت شعر نوین در سوریه و لبنان، عوامل مؤثر در ایجاد اسلوبی برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع در فنون و ساختار شعری، رویکردهای شعر

عرب نسبت به حوادث پیش‌آمده در منطقه و نیز ویژگی‌های فضای شکل گرفته به وسیله‌ی آنها آغاز می‌گردد و با سخنی در باب شاعران تصویرگر واقعیات ادامه می‌یابد. اختلاف سطح «افقی» و «عمودی»^{*} شاعران یاد شده و رویکردهای غالب بر آثار شعرای بنیانگذار و نیز خصوصیات هر کدام از آنان در کنار اشاره به نمونه‌هایی از آثار شعری‌شان از دیگر مطالب این بخش است که بیان ویژگی‌های این دوره نیز به آن افزوده می‌شود.

- بخش چهارم، پیرامون محدودی زمانی که نوگرایان در آن واقع شده‌اند و نیز برخی واقعیت‌های موجود در باره‌ی سوریه و لبنان سخن به میان می‌آورد. این مبحث همچنین به مهم‌ترین تحولات شعری، برجسته‌ترین شاعران تصویرگر از این پدیده‌ی ادبی و نیز بارزترین موضوعات ارایه شده به جنبش شعر نوین در این مرحله اشاره می‌نماید.
- بخش پایانی را مطالبی تشکیل می‌دهد که عناوین ذیل خلاصه‌ای از آنهاست:

- / تجربه‌های معاصر و اثرگذار در شعر.
- / مرزبندی‌های شعری در دوره‌ی جدید.

^{*} در ادامه، از آنها سخن به میان خواهد آمد.

/ مهم‌ترین حوادث صحنه‌ی ادبی و نیز تجارب به دست آمده‌ی شعری در دهه‌های هفتاد و هشتاد.
/ و بالأخره مهم‌ترین قضایا و مفاهیم در حوزه‌ی آثار شعر مدرن.

حسین ابویسانی

www.ketab.ir